

### کاربرد نظریه دیالکتیک ارسطو در تدریس

امین هراتی زاده

دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی

[aminharati102550@gmail.com](mailto:aminharati102550@gmail.com)

#### (۱) چکیده

تعلیم و تربیت از مهم‌ترین امور در هر جامعه‌ای می‌باشد و اکثر شهروندان و حکمرانان به اهمیت آن واقف هستند و می‌دانند این امر اگر کیفیت مطلب و کافی را نداشته باشند چه آسیب‌های بزرگی را در کوتاه مدت و درازمدت می‌تواند بزند. بنابراین طبق این گفته‌ها مشخص است که باید به آن توجه داده شود و توسعه و پیشرفت پیدا بکند. یکی از هم‌ترین کارها برای پیشرفت تعلیم و تربیت معلم‌ها می‌باشند و معلم‌ها با انتخاب شیوه‌های نوین تدریس می‌توانند این راه را هموار کنند. یکی از این روش‌های مناسب روش دیالکتیکی ارسطو می‌باشد. پژوهش حاضر به بیان معانی دیالکتیک از دید فلاسفه و اندیشمندان مختلف پرداخته است و سپس روش دیالکتیکی ارسطو را شرح داده و در ادامه آن را با تدریس بسط داده است. نتیجه این است که این روش می‌تواند دانش‌آموزان را فعال به بار بیاورد و ذهن و قدرت تفکرشان را بهبود ببخشد.

(2) واژه‌گاه کلیدی: دیالکتیک، ارسطو، افلاطون، روش تدریس، معلم

#### (۳) مقدمه

#### ۳\_۱) بیان مسئله تحقیق

امر تعلیم و تربیت همواره یکی از مهم‌ترین امور در هر جامعه و کشور می‌باشد و جوامع بسیاری خصوصاً جوامع مدرن همیشه سعی بر این دارند که آن را بهبود ببخشند و یک سیستم تعلیم و تربیتی پویا و جامع برای خودشان داشته باشند. همه بر این واقف هستیم که آینده یک ملت از سیستم تعلیم و تربیت آن بیرون می‌آید، چرا که در دنیای کنونی تقریباً همه افراد در این سیستم قرار می‌گیرند و از جهات مختلف مورد آموزش واقع می‌شوند و این جاست که کیفیت آن سیستم مورد بحث است. چه بسا در یک سیستم تعلیم و تربیتی بتوانیم افراد کارآمد و موثر برای جامعه و خود تربیت کنیم و آینده‌ای روشن برای کشور بسازیم و چه بسا افرادی فاقل تاثیر مناسب برای جامعه تولید کنیم که مشخصاً به آینده‌ای نه‌چندان روشن برای جامعه و حتی خود فرد منتهی می‌شود.

بنابراین توجه به تمامی ارکان و اجزای سیستم تعلیم و تربیت از اهم واجبات در هر جامعه می‌باشد، مانند این می‌ماند که یک کارخانه تولید ماشین نظارتی رویش نباشد و خودشان هم کیفیت خط تولید و قطعاتشان را بالا نبرند، واضح است که در ادامه ضررهای بسیاری را خواهند دید.

ما باید سعی کنیم اجزای این سیستم را بهبود ببخشیم، اجزایی مانند کتاب‌ها، معلمان، امکانات آموزشی، فضای فیزیکی مدارس و کلاس‌ها و هر چیز دیگری که روی کیفیت این سیستم تاثیر گذار هستند.

همانطور که گفته شد یکی از این اجزا که می‌توان گفت شاید مهم‌ترین آن‌ها نیز باشد، معلمان هستند، معلمان در آموزش مدرن نقش یک راهنما را بازی می‌کنند، راهنمایی که دانش آموز از همه کس بیشتر به آن اعتماد دارد. معلم‌ها باید مداوم سطح خودشان را بالا ببرند و به شیوه‌ها و روش‌های نوین آموزشی مجهز شوند، باید خودشان را با سیستم جدید وفق بدهند و به نیازهای جدید جوامع و دانش‌آموزان پاسخ مناسب داشته باشند.

یکی از مهم‌ترین چیزها که یک معلم باید به آن وجه داشته باشد، روش تدریس‌اش می‌باشد، معلم باید از روش‌های مناسب و نو استفاده کند تا بتواند به تمامی نیازهای دانش‌آموزان رسیدگی کند. یکی از روش‌هایی که می‌توان از آن در تدریسی اثر بخش و موثر استفاده کرد، روش دیالکتیک افلاطونی می‌باشد.

در این پژوهش سعی بر این است که ابتدا به معنای این دیدگاه پرداخته شود و سپس نقش آن در تدریس مشخص شود و نمونه‌هایی از تدریس واقعی در دروس مختلف کشورمان زده شود.

### ۳\_۱) تعریف دیالکتیک

در این بخش دیالکتیک را نظر مراجع مختلف بررسی می‌کنیم:

دیالکتیک واژه‌ای است یونانی که همراه با واژگان هم خانواده اش طیف وسیعی از معانی لفظی و اصطلاحی را در بر می‌گیرد. از جمله این معانی است: گفتگو، بحث از طریق پرسش و پاسخ، جدل، منطق احتمالات، استدلال بر پایه اصول عام، مباحثه، مناظره، احتجاج، مطلق سخن گفتن، زبان، طرز بیان. (فتحی، ۱۳۸۲)

سابقه معنای اصطلاحی یافتن این واژه به زنون لیبی، شاگرد و طرفدار پارمنیدس، برمیگردد. یعنی، شیوه استدلالی را که او برای دفاع از عقاید استادش در خصوص وحدت و سکون (در برابر کثرت‌گرایی فیثاغوریان و حرکت‌گرایی هراکلیتوس) در پیش گرفت، دیالکتیک خوانده‌اند و خود او را مبدع این فن، اما معنای اصطلاحی این لفظ در طول تاریخ فلسفه و منطق از سقراط و افلاطون و ارسطو گرفته تا دوره‌های موسوم به قرون وسطی و عصر جدید بسیار متغیر بوده است به گونه‌ای که گاهی دو معنا درست در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد. (همان)

دیالکتیک از لحاظ لغوی یک لفظ مرکب است از: ((دیا)) و ((لکتیک))، پیشوند ((دیا)) بمعنی دو و ((لکتیک)) بمعنی لوگوس، گفتار و سخن است. (فتحی، موسی زاده، ۱۳۹۰)

نزد افلاطون دیالکتیک دارای معنای متکامل بوده است. و به عنوان روشی برای رسیدن به ذات لایتغیر موجودات در نظر گرفته شده است. (همان)

واژه دیالکتیک (Dialectic) از Dia به معنای "از میان" و Legein به معنای "بحث" مشتق شده است. دیالکتیک از نظر لغوی به معنای فن مباحثه و مجادله است (معصوم، ۱۳۸۴)

### ۳\_۱\_۲) معنای دیالکتیک در آثار افلاطون

۱. در محاورات اولیه افلاطون، دیالکتیک تقریباً به همان معنای دیالکتیک سقراط به کار رفته است یعنی فن مباحثه از طریق پرسش و پاسخ. مثلاً در محاوره کراتیلوس این گونه آمده است.

۲. در محاورات میانی، دیالکتیک عبارت است از عمل بر فرضیات یا عمل مبتنی بر مفروضات، به نظر افلاطون در مرحله دیانویا (استدلال عقلی)، نفس در پژوهش و تحقیق مجبور است با کمک تقلید از تصاویر فرضیه شروع کند و به سوی نتیجه و نه به سوی یک اصل اول پیش رود، مثلاً در هندسه، ذهن از فرضیه‌ها، با استفاده از یک شکل مریی به سوی نتیجه پیش می‌رود. افلاطون میگوید هندسه دان،

مثلث و مربع و ... را به کارمیرد و برای رسیدن به نتیجه ای استدلال میکند اما علاقهای بر خود شکل (یعنی به این یا آن مثلث خاص یا مربع خاص یا قطر دایره خاص) ندارد.

۳. معنای سوم دیالکتیک که در محاورات متاخر منانند فایدروس بیان شده این است که دیالکتیک روش تقسیم میباشد. در محاوره فایدروس، سقراط میگوید: من خود از دوستاناران این روش جمع و تقسیم هستم چه در سخن گفتن و چه در اندیشیدن، و اگر کسی را بیابم که بتواند در واحد، جزییات کشیر را ببیند ودر جزییات کشیر و پراکنده، صورت واحد را، چنان سر در پی او میگذارم که گویی خدای من است.

۴. معنای چهارم دیالکتیک در محاوره جمهوری بیان شده است، و آن عبارت است از تعلیم و تربیت حاکمان فیلسوف یا حاکمان حکیم، که در نهایت به 'صور اعلی که همان ایده خیر است، منتهی میشود. در محاوره جمهوری آمده است که دیالکتیک تاج و سنگ سربنای همه علوم است.

بدین معناکه دیالکتیک، اوج و کمال تاج علوم است. در این معنا، دیالکتیک، علم به اصول و مبادی اولیه است. در محاوره جمهوری (بند ۵۰۴ و ۵۰۵) افلاطون میگوید: دیالکتیک، عالیترین دانش هاست و موضوع آن، ایده "خیر" است و عدالت و دیگر قابلیت های انسانی فقط به علت بهره داشتن از آن، خوب و سودمندند. اگر همه جهان را مالک باشیم ولی دست ما از "خیر" تهی باشد دارای ثروتی نخواهیم بود و اگر همه دانش ها را به دست آوریم ولی خوبی و زیبایی را نشناسیم صاحب معرفتی نخواهیم بود. (همان)

به نظر افلاطون یکی از خصوصیات دیالکتیک این است که آن مخرب فرضیات است. تخریب فرضیات یعنی چه؟ ریاضیات مبتنی بر فرضیهایی است که ریاضی دان، حقیقت آنها را بدون آن که مطالعه و واریسی کند مسلم میگیرد. ریاضی دان، صور یا کلیات را به کار می برد ولی خصوصیات آنها را فرض می کند بدون آنکه قادر به تبیین ذات و ماهیت آنها باشد یا بتواند روشن سازد که چرا ذات و ماهیتی ندارند. (همان)

به نظر افلاطون تنها از طریق دیالکتیک میتوان به ذات اشیا رسید و از چیستی عالم پرده برداشت و اوج عالم همان ایده است و رسیدن به ایده در واقع رسیدن به حقیقت است. (محمدی پابکی، سبحانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶)

### 3\_۲) پیشینه علمی پژوهش

۱. فتحی در مقاله ای تحت عنوان دیالکتیک در فلسفه افلاطون بیان داشته است که: از مفاهیم بنادین «نظام فلسفی» افلاطون، به معنای وسیع کلمه که شامل هستی شناسی، معرفت شناسی، اخلاق، سیاست و جز اینهاست، مفهوم «دیالکتیک» است. افلاطون این مفهوم را، به عنوان یک روش، از سقراط به ارت برده ودر طول پنجاه سال فعالیت فلسفی خویش تغییراتی تکاملی در محتوا و صورت ان به وجود آورده است. تنوع موضوعات بحث، در محاورات گوناگون افلاطون گاهی اجازه نمی دهد که خوانندگان آثار او به راحتی بتوانند تمامی معانی دیالکتیک را با یکدیگر وفق دهند. این مقاله معانی دیالکتیک را در بسترهای گوناگونی که افلاطون به ایراد سخن پرداخته است پیگیری می کند و به بیان ارتباط آنها با یکدیگر و با سایر قسمت های فلسفه افلاطون میپردازد.

۲. فتحی و موسی زاده، مقاله را تحت عنوان دیالکتیک هگل: سنتزی از دیالکتیک کانت در برابر دیالکتیک افلاطون، نگارش کرده اند که: دیالکتیک از قدمتی باندازه خود فلفه برخوردار است. این واژه از طرف فیلسوفان متعددی بکار رفته است و هر کدام از آنها معانی متفاوتی را در نظر گرفته اند. در این نوشتار بعد از بیان اجمالی معنای این واژه در میان فلاسفه، بطور تفصیلی به بیان معنای آن نزد افلاطون، کانت و هگل پرداخته میشود.

نزد افلاطون دیالکتیک دارای معنای متکامل بوده است و بعنوان روشی برای رسیدن به ذات لایتغیر موجودات در نظر گرفته شده است. کانت آن را به معنای جدل یا منطق در نظر گرفته است، یعنی بررسی راهی که عقل به قصد رسیدن به معرفت اشیا فی نفسه و حقایق فوق حسی طی میکند. دیالکتیک نزد هگل نیز عبارت است از مطابقت فکر با هستی در زمان و در صیوروتی دانمی. دیالکتیک هگل همیشه در مسیر جمع متضادها در مرتبه یی بالاتر بکار گرفته میشود و در واقع کار فلسفه در نظر او پیمودن همین مسیر است. در مقاله حاضر ضمن بررسی و مقایسه نظریات دیالکتیکی این سه فیلسوف نشان داده‌ایم که میتوان دیالکتیک هگل را بعنوان سنتزی از دیالکتیک افلاطون و کانت قلمداد کرد.

۳. معصوم مقاله ای دارد تحت عنوان: مفهوم دیالکتیک در فلسفه افلاطون، بیان کرده است: دیالکتیک از نظر لغوی به معنای فن مباحثه است و از نظر فلسفی دارای معانی مختلفی است، مانند دیالکتیک زنون، دیالکتیک سوفسطاییان، دیالکتیک سقراط، دیالکتیک افلاطون و ...

به نظر افلاطون یکی از ویژگیهای دیالکتیک این است که آن، مخرب فرضیات است. دیالکتیک یکی از ابزارهای مهم علمی و فلسفی است و اولین بار زنون، واضع واژه دیالکتیک بود و تا به قرن ۲۱ میلادی (دیالکتیک هم چنان ادامه دارد) از معانی مهم دیالکتیک افلاطون، معنای چهارم آن است که در نهایت به ایده اخیر منتهی می شود که همان خداست و افلاطون در محاوره مهمانی، از دیالکتیک عشق سخن می گوید و از پایین ترین مرحله عشق یعنی عشق به زیبایی اشیا محسوس تا بالاترین مرحله عشق به خدا سخنانی را بیان می کند و خدا یعنی زیبایی مطلق و انسان به صورت فطری، مطلق طلب است.

۴. آزاده رنجبر در پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی ویژگی های دیالکتیک به مثابه روش تدریس با توجه به مبانی فلسفی دیالکتیک از نظر سقراط و افلاطون، بیان کرده است: هدف اساسی الگوی تدریس دیالکتیک، تقویت مهارتهای استدلال، داوری، و قدرت تشخیص دانش آموزان است. در روش دیالکتیک، تلاش بر آن است تا شاگردان به رهبری معلمشان، با تعامل و گفتگوی کلاسی شخصاً امکان بالندگی و رشد پیدا کرده و به جای آموختن حقایق و واقعیت‌ها، بینشی عمیق نسبت به مسائل پیدا کنند. پژوهش حاضر، که پژوهشی فلسفی تحلیلی است، با در نظر گرفتن این نکته که از مفاهیم بنیادی «نظام فلسفی» سقراط - افلاطون به معنای وسیع کلمه که شامل هستی شناسی، معرفت شناسی، اخلاق و جز اینهاست، مفهوم «دیالکتیک» است و افلاطون آن را به عنوان یک روش، از سقراط به ارث برده است و در طول پنجاه سال فعالیت فلسفی خویش تغییراتی تکاملی در محتوا و صورت آن به وجود آورده است؛ به بررسی ارتباط روش دیالکتیک با روشهای فعال تدریس پرداخته است. نتایج بررسیها حاکی از ارتباط بین این دو رویکرد در اهداف و روش رسیدن به اهداف است.

### ۳\_۲) هدف و پرسش تحقیق

هدف تحقیق حاضر این است که مبانی دیالکتیک و انواع تعریف آن از دیدگاه های مختلف روشن شود و پیش به دیالکتیک ارسطویی پرداخته شود.

و در نهایت این دیدگاه به مائبه یک روش تدریس دریاید و مشخص شود که چگونه می توان از آن در امر تدریس یاری جست.

### ۴\_۲ روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی می‌باشد، این تحقیق از نظر اهداف در دسته‌ی تحقیقات کاربردی می‌باشد، این پژوهش با مطالعه منابع مختلف درباره موضوع مورد نظر و خلاصه‌سازی آنها نگارش شده است. همچنین با استفاده از نتایج حاصله از تحقیقات به بیان موارد موجود در کتب درسی و نحوه تدریس معلم با توجه به دیالکتیک افلاطونی اشاره شده است.

### ۴\_۱ یافته‌ها

#### ۴\_۱\_۱ معانی دیالکتیک از نظر ارسطو

حال به بیان معانی دیالکتیک از نظر ارسطو می‌پردازیم: یکی از نظریه پردازان معاصر به نام اسمیت به شرح دیالکتیک از نظر ارسطو پیرداخته است به باور او، اسمیت، در شرح خود از توپیکا، به چهار نکته اصلی اشاره میکند. نخست اینکه، این رساله همانند سایر رساله‌ها بر محوریت استدلال در ارغنون قرار دارد. استدلال معرفی شده در توپیکا استدلال دیالکتیکی است: ((استدلالی که در آن دو هم‌اورد (حریف) با یکدیگر مقابله میکنند)). دوم اینکه، ابداع ارسطو نظام مند کردن روش دیالکتیکی به مثابه هنری است که موثرترین استدلال امکانی از مقدمات حاضر را مهیا میکند. سوم اینکه، توپیکا علاوه بر معرفی استدلال دیالکتیکی به نظریه‌های منطقی دیگر ارسطو مانند تعریف و حمل (معرفی انواع محمول‌ها) نیز می‌پردازد. نکته آخر اینکه دیالکتیک می‌تواند روش فلسفی ارسطو به شمار آید. ((مخصوصاً روش کاری او زمانی که با پژوهش نقادانه باورهای پیشینیان خود آغاز میکند)). (برادران نیکو، زکیانی، ۱۳۹۴)

#### ۴\_۲\_۱ روش فهم دیالکتیکی

در هر استدلال دیالکتیکی، پرسشگر بر اساس مقدمات به دست آمده از پاسخ‌های حریف، نتیجه‌ای را که واقعاً از آن مقدمات حاصل می‌شود استنتاج میکند زیرا پرسشگر قصد دارد تا نشان دهد عقیده بیان‌شده پاسخ دهنده بی‌معنی و مردود است. حتی اگر پاسخ دهنده به پاسخ درست تظاهر کند تمرین دیالکتیکی نشان می‌دهد که دسته‌ای خاص از باورها با یکدیگر ناسازگارند. آزمودن عقاید اندیشمندان و مردم، بدین شیوه، می‌تواند اولین مرحله موجه در پژوهش فلسفی باشد. به همین ترتیب، پاسخ دهنده می‌تواند نقش یک دانشمند مشهور را بازی کند و از دیدگاه او دفاع کند و پرسشگر آن دیدگاه را بیازماید. (همان)

با توجه به این معیارها استدلال دیالکتیکی "کشف کلی و عواقب (پیامد) های دسته‌ای از دیدگاه‌ها به همراه پافشاری بر آزمودن ناسازگاری آن‌هاست.

ارسطو چهار ابزار را برای دیالکتیک معرفی میکند: اخذ مقدمات، قوه تشخیص مشترک لفظی، کشف فصل‌ها و کشف شباهت‌ها. روش دیالکتیک ارسطو همان روشی است که در آغاز اگر رساله‌ها و بحث‌هایش از آن استفاده می‌کند. ارسطو دیدگاه‌های اندیشمندان پیش از خود را طرح می‌کند و با بیان مسائل و دشواری‌ها، بخش‌هایی را که از همه موجه ترند نگاه میدارد و بخش‌هایی را که سازگار نیستند حذف می‌کند. (همان)

#### ۴\_۳\_۱ فواید دیالکتیک در تدریس از منظر ارسطو

فواید دیالکتیک از نظر ارسطو عبارت‌اند از: ۱. تمرین ورزشی - ۲. گفت و گو‌ها - ۳. علوم فلسفی

اسمیت این فواید را چنین شرح می‌دهد: منظور از ((ورزش)) (exercise) تمرینی است که نشان می‌دهد چگونه حمله‌کننده (پرسشگر) می‌تواند برخی چیزهای غیر قابل قبول را از پاسخ‌های حریف استنتاج کند. در ارتباط با ((گفتگو)) (encounter) اگر چه هدف ارسطو می‌تواند هم گفت و گو با افراد خارج از آکادمی و هم با عوام مردم باشد، اما غرض اصلی وی اشاره به حالات کلی تر استدلالی

است که در تمرین ذهنی به کار نمی‌رود. کاربرد دیالکتیک در ((دانشهای فلسفی)) بیشتر فهم مطلب است: ارسطو ادعا میکند که روش دیالکتیکی او می‌تواند به خوبی یک استدلال موفق در کشف حقیقت مشارکت کند) با توجه به این تعاریف می‌توانیم برداشت کنیم که دیالکتیک ارسطو تقریباً همان دیالکتیک افلاطون و روش سقراطی است با اندکی تفاوت، این تفاوت اندک دیالکتیک در همه فلاسفه و اندیشمندان وجود دارد.

به بیان ساده تر، در دیالکتیک اغلب اندیشمندان و به ویژه ارسطو به دنبال یک گفتگوی منطقی و یک بحث عمیق هستیم که در آن فرضیاتی وجود دارند که از طرف پرسشگر (معلم و...) مطرح می‌شود سپس مخاطبان (دانش آموزان و...) در مورد آن پاسخ‌هایی می‌دهند و پرسشگر در پی این است که اشتباه بودن گفته‌های مخاطبان را نشان دهد، این کار باعث می‌شود مخاطبان به یک بینش عمیق و نه جزئی از موضوع مورد بحث دست پیدا کنند.

روشی برای مباحثه است که بر اساس سؤال و جواب متوالی و هدفمند بنا شده است، به طوری که با اختیار موضع طرف مقابل، ابتدا موافقت و همراهی او جلب شود و سپس تناقضات استدلالهای او آشکار و با استفاده از موضع خود شخص، مدعایش رد شود.

در این روش تدریس، معلم باید دانش آموزان را خودجوش بار بیاورد، یعنی دانش آموزان از خود بپرسند چرا فلان چیز اینگونه است، یا منظورشان از چیزهایی که بیان کردند دقیقاً چیست؟ چگونه می‌توانن به ماهیت مطلب پی برد.

همچنین دانش‌موزان باید به یک حالت کاوشگری دست بزنند، مطابق همان چیزی که ما در دیدگاه کاوشگری با آن روبرو می‌شویم. و در نهایت بایدان تدریس یک هدف مشخص و یک مجرای مدون داشته باشد و سیر آن برا معلم مشخص باشد که از کجا شروع می‌کنیم و قرار است به چه چیزی دست بیاییم.

این روش شباهتی زیادی به روش‌هایی همچون بارش مغزی و فن پرسش و پاسخ دارند، اما در دیالکتیک بیشتر نکته مهم این است که به اشتباه‌ها پردازیم و نشان دهیم ممکن دسته‌ای از باور‌ها می‌تواند در تضاد و ناسازگاری هم درآیند.

### ۵) نتیجه‌گیری

نزد افلاطون دیالکتیک دارای معنای متکامل بوده است. و به عنوان روشی برای رسیدن به ذات لایتغیر موجودات در نظر گرفته شده است و دیالکتیک تقریباً به همان معنای دیالکتیک سقراط به کار رفته است یعنی فن مباحثه از طریق پرسش و پاسخ.

هدف اساسی الگوی تدریس دیالکتیک، تقویت مهارتهای استدلال، داوری، و قدرت تشخیص دانش‌آموزان است. در روش دیالکتیک، تلاش بر آن است تا شاگردان به رهبری معلمشان، با تعامل و گفتگوی کلاسی شخصاً امکان بالندگی و رشد پیدا کرده و به جای آموختن حقایق و واقعیت‌ها، بینشی عمیق نسبت به مسائل پیدا کنند.

در این پژوهش سعی بر این بود که ابتدا به معنای دیالکتیک از دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان مختلف پرداخته شود و مشخص شود که دیالکتیک دقیقاً به چه مفهوم و اصولی اطلاق می‌شود.

نتیجه این شد که استفاده از این شیوه و دیدگاه (دیالکتیک ارسطویی)، می‌تواند واقعاً ثمربخش باشد و دانش‌آموزان را از حالت انفعال و سکوت و همچنین معلم را از حالت متکلم و حده بودن دربیآورد و باعث شود معلم در نقش یک راهنما و یک رهبر قرار بگیرد و نه کسی که فقط مطالب را به صورت سخنرانی بگوید و دانش‌آموزان نیز مانند ضبط صوت آنها را جمع کنند، بلکه دانش‌آموزان خود فعال می‌شوند و به اصل مطلب می‌توانند دست پیدا کنند.

### ۶ کتابنامه

۱. فتحی، حسن، (۱۳۸۲) دیالکتیک در فلسفه افلاطون، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۲. فتحی، حسن. موسی زاده، صدیقه، (۱۳۹۰)، دیالکتیک هگل: سنتزی از دیالکتیک کانت در برابر دیالکتیک افلاطون، نشریه تاریخ فلسفه، سال دوم، شماره اول، تابستان ۹۰
۳. معصوم، حسین، (۱۳۸۴)، مفهوم دیالکتیک در فلسفه افلاطون، اندیشه‌های فلسفی ۳، سال اول، شماره سوم، پاییز ۸۴
۴. محمدی چابکی، رضا. سبحانی نژاد مهدی. احمد آبادی آرانی، نجمه. عسگری، زهره، (۱۳۹۶)، تبیین مبانی فلسفه روش تدریس سقراطی، راهبردی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری مدارس، نشریه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۱۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۷
۵. آزاده رنجبر، زهرا، (۱۳۹۳)، بررسی ویژگی‌های دیالکتیک به مثابه روش تدریس با توجه به مبانی فلسفی دیالکتیک از نظر سقراط و افلاطون، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی
۶. برادران نیکو، محمد امین. ذکیانی، (۱۳۹۴)، نقد و بررسی ارغنون ارسطو از منظر رابین اسمیت، نشریه منطق پژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۴